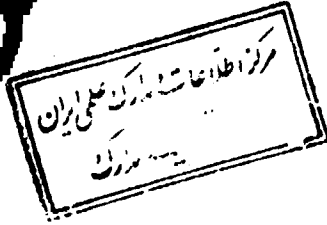


۳۱۵۶۷



بیتوته

۱۳۷۹ / ۱۱ / ۲۰

دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

### پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

تشبیهات در نهج البلاغه

استاد راهنما:

دکتر سید علی محمد سجادی

- ۹۲۹۹

استاد مشاور:

دکتر احمد خاتمی

نگارش:

عین الله کوهزادی هیکویی

شهریور ۱۳۷۹

۳۱۵۶۷

تقدیم به روح عدالت و  
تقوی مرد خدا و خطابه

امام علی علیه السلام

ردیف	موضوعات	صفحه
۱	پیش گفتار	۳-۱
۲	سخنی در تشبیه در کلام امام علی	۱۹-۴
۳	معرفی کتب معتبر زبان فارسی در معانی و بیان و چگونگی تعریف تشبیه در آنها	۲۱-۲۰
۴	نقد و بررسی کتب معتبر زبان فارسی که در معانی و بیان سخن گفته‌اند	۳۲-۲۲
۵	بررسی انواع تشبیه براساس تقسیم بندی‌های مختلف (ساختمان ظاهر و اجزاء)	۳۴-۳۲
۶	انواع تشبیه از نظر ذکر یا حذف وجه شبه و ادات	۳۸-۳۴
۷	انواع تشبیه از جهت نوع و ماهیت طرفین	۴۱-۳۸
۸	انواع تشبیه از جهت افراد و ترکیب یا مقید و غیرمقید بودن طرفین	۴۸-۴۱
۹	انواع تشبیه به جهت معنی گرایی	۵۳-۴۸
۱۰	انواع تشبیه از دیدگاه وجه شبه و احوال وجه شبه	۵۵-۵۳
۱۱	سخنی در باب مأخذ و مراجع	۵۸-۵۶
۱۲	سخنی در باب صور خیال امام علی در تشبیهات نهج البلاغه	۶۴-۵۹

## فهرست موضوعات قسمت دوم پایان نامه

۶۵	راهنمای علایم اختصاری و توضیحات	۱
۱۴۶-۶۶	تشبیهات در خطبه‌ها	۲
۱۶۳-۱۴۷	تشبیهات در نامه‌ها	۳
۱۸۰-۱۶۴	تشبیهات در کلمات قصار	۴
۱۸۲-۱۸۱	مواردی که علی‌رغم ظاهر تشبیه به عنوان تشبیه منظور نشده است.	۵

**تشبیهات در خطبه‌های نهج البلاغه**

**«بانضمام تشبیهات نامه‌ها و کلمات قصار»**

### بسم الله الرحمن الرحيم الذی لیس کمثله شیء

از ابزاهاری چهارگانه فن بیان، تشبیه است. در تشبیه، نویسنده و یا شاعر مرکب خیال را به جولان درمی آورد. و در بین اشیاء پراکنده و بی ربط و مختلف ارتباط و تشابهی می یابد و یا جعل می کند. برای دو شیء نقطه اشتراک و ارتباط در صفت و یا کیفیتی و یا حالتی قایل می شود و یا کشف می کند. به عنوان مثال همه افراد بشر معمولاً رودخانه را دیده اند و مار را نیز دیده اند. و بین آن دو وجه تشابه و مانندگی و مماثلت قایل شده اند و با توجه به شکل ظاهری، گاهی مار قوی هیکل و سیاهی را به رودخانه پیچان، و گاهی رودی پر پیچ و خم و طولانی را به ماری پیچیده تشبیه کرده اند. و نیز بسیاری از افراد بشر دریا را دیده اند و معمولاً قیر را نیز دیده اند. و آنگاه از ترکیب دریا و قیر، صورت ذهنی دریای قیر را جعل کرده اند که وجود خیالی دارد و نه حقیقی و سپس شب سیاه را به دریای قیر مانند کرده اند و بدین گونه بر حجم و صور خیال بشری افزوده اند.

\* \* \*

تشبیه از آن جهت که اولین فن علم بیان است، بیشترین مصداق را در میان مصداق آن دارد. این به دلیل عقلی است و نه آماری. زیرا استفاده از استعاره و مجاز مهارت بیشتری می طلبد و مجاز و کنایه بیشتر در حیطة استفاده دانایان و سخنوران است و حال آن که تشبیه ابزاری است که حتی کودکان نیز از آن بهره می گیرند. و اصولاً برای فهم ارتباط بین اشیاء و تفهیم یک موضوع به دیگران، بیشتر از تشبیه استفاده می شود تا از استعاره و مجاز و کنایه. استفاده از تشبیه، مشترک بین همه افراد بشر است. پیرو جوان، عامی و فرزانه به ناچار برای بیان مقصود به تشبیه متوسل می شوند. حال آن که استعاره در

سطحی بالاتر، برای دانایان و ورزیدگان اهل قلم کاربرد دارد. هر چه سطح خرد و دانایی و فنون ادب بالاتر باشد؛ میل به استفاده از استعاره و مجاز و کنایه بیشتر می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که از ویژگی‌های سبک ترکستانی یا خراسانی فراوانی تشبیه و آن هم از نوع حسی به حسی و یا معقول به حسی می‌باشد. حال آن که در سبک عراقی و هندی و ادبیات معاصر گاهی تشبیه کمتر از استعاره وجود دارد.

بهرحال این به صورت نظریه مطرح است که می‌گوید زمان هر چه به پیش می‌رود و زبان هر چه عمیق‌تر و وسیع‌تر در تشبیهات نیز نو و جدید می‌شوند و به استعاره‌ها تبدیل می‌گردند. باید با یک آمارگیری و سنجش بسامد، آن را ثابت و یار کرد.

- تشبیه نیز مانند همه اشیاء مادی و یا ذهنی سیر تطوّر و تحول دارد. در طول تاریخ تشبیه از سادگی اولیه رها شده و به سمت پیچیدگی و تعمیق و ذهنی شدن گراییده است. اولین تشبیهات بشر لابد حسی به حسی بوده است، یعنی اشیاء ظاهری عالم ماده را به هم مانند می‌کرده است. سپس مفاهیم ذهنی را نیز به میدان تشبیه کشانید. سالها طول کشید تا ذهنیات خود را به اشیاء مادی مانند کند. مثلاً بگوید «العلم کالنور» و یا بسراید: «عشق دریایی کرانه ناپدید.» و یا اشیاء طبیعت را به مفاهیم ذهنی مانند نماید. مثلاً بگوید: «آب چون جان است» و یا در اعتقادات عوام آمده است: «پروانه روح رفتگان است» تعیین دقیق کیفیت تطوّر و سیر تشبیه مشکل و یا غیرممکن است. زیرا تنها کسی می‌تواند به ضرس قاطع در این باره اظهار نظر کند که تمام آثار قلمی و زبانی فرهنگ بشری را مطالعه کرده باشد. قبل از آن که وارد بحث انواع تشبیه و تقسیمات آن شویم؛ لازم است که بحث کوتاهی درباره علت مرگ تشبیه داشته باشیم.

کاربر مفهوم تشبیه امری است ذوقی. و چون ذوق در طی گذر زمان تغییر می‌کند؛ لذا



تشبیه نیز دستخوش تغییر می‌شود. بدیهی است که مردم در همه زمان‌ها یکسان سلیقه را بروز نمی‌دهند. تغییر سلیقه و ذوق در زبان و گفتار نیز اثر می‌گذارد. لذا صور خیال در تشبیهات ابتدایی ساده بود و سپس به مرور زمان در اشکال مختلف ظاهر شد. و یا از بین رفت. ذوق ادبی مانع از آن می‌شود که همیشه چهره زیبا را به ماه مانند کنایس به ناچار تشبیه‌های اولیه مُردند و یا نو شدند و لباس تازه پوشیدند و یا تبدیل به استعاره شدند. وجوه شبه متعدد و بیشتری کشف و یا جعل گردیده و نمادها جای یکی از طرفین تشبیه را گرفتند. و تشبیه فشرده یا استعاره را بوجود آوردند.

اگر چه تا زمانی که بشر سخن می‌گوید تشبیه نیز در فرهنگ زبان بشری وجود دارد ولی عمر تشبیه کوتاه است و به ناچار باید عوض شود و با زبان تازه‌تری بیان گردد. جناب دکتر شفیعی کدکنی در صفحه ۵۷ و ۵۸ کتاب صور خیال در شعر فارسی به صورت محمل به این موضوع اشاره دارند. و نیز دکتر شمیسا در کتاب خود به این بحث پرداخته است.

به سبب اهمیت مقام تشبیه، بنده موضوع پایان نامه خودم را برای مقطع کارشناسی ارشد «تشبیهات در نهج البلاغه» انتخاب کردم؛ تا از میان ازهار و ریاحین بویای بوستان نهج البلاغه گل تشبیه را بچینم و تقدیم دانش آموزان و دانشجویان عزیز کنم. از روح بلند و آسمانی آن مرد بی مانند تاریخ، صاحب شمشیر و قلم همت می‌طلبم تا نظری در کار من کرده، این سطور را مقبول طبع مردم صاحب نظر گرداند. انشاء...

هدف بنده از انتخاب این موضوع دو چیز بود. اول استفاضه از فیضان چشمه‌های کلام دریاگون امام علی و توفیق اجباری که اگر نبود شاید هرگز در نهج البلاغه به عنوان یک اثر و متن ادبی ~~مهمین~~ نمی‌نگریستم. و دوم آن که حال که قرار شد چیزی بیاموزم و بنویسم،

چرا آب را از سرچشمه زلال آن ننوشم. اگر خواهان صید مروارید هستم، بهتر است و بلکه باید طبیعی‌ترین مروارید را از ژرف‌ترین دریا به چنگ آورم و گفتم: «آن جا که باید دل به دریا زد همین جا است» امام اگرچه شاعر به معنای مصطلح و رایج آن نبود و شعر شغل اول او نبوده است. اما شاعرانه‌ترین کلام را برای بشر به یادگار گذاشت. بی دلیل نیست که سخنش را دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق خوانده‌اند.

ظن بنده این بوده است که چون امام علی بر منبر خطبه و یا در مجلس سخن‌قرار می‌گرفت هدفش سخنرانی رسمی برای مردم نبود بلکه او در پی القای ادراکات آسمانی خود بود به زمینیان مستمع. لذا می‌بایست آن چه را که خود می‌فهمید و درک می‌کرد به صورت عینی و ملموس برای عوام و خواص بیان کند (حتی یکون سمعه کعیانه) پس ناچار از به کار بردن تشبیه و دیگر علوم و فنون سخنوری بود. به عنوان مثال در خطبه ۱۹۸ هفتاد و دو تشبیه وجود دارد. و این از سر تصادف و یا صرفاً از سر ذوق ادبی نیست. بلکه هدف امام تفهیم معانی و ادراکات به مستمع بود. در همین خطبه اشاره شده، در وصف تقوی با استفاده از تشبیه مفردیک مشبه را به چندین مشبه‌به مانند کرده، تقوی را که یک امر ذهنی مجرد است، تا حد نان و لباس و گیاه و اشیاء قابل لمس و درک به ذهن مستمعان نزدیک می‌کند و می‌فرماید: «تقوی الله دواء داء قلوبکم» و در یک جمله طولانی نه مشبه‌به برای تقوی ذکر می‌کند. و در سطور بعد در وصف طاعة الله یازده مورد مشبه‌به برای آن ذکر می‌کند و با استفاده از ترکیب اضافی در اضافی، طاعة الله را به صورت ملموس درمی‌آورد و می‌گوید: «فاجعلوا طاعة الله شعاراً دون دثارکم».

در سطور بعد در توصیف اسلام، آن را به عنوان مشبه قرار داده و برای آن یک جمله وصفی ذکر می‌کند و به این ترتیب از یک نواختی و قالبی بودن کلام و خصوصاً ظاهر

تشبیه احتراز می‌کند و پرده سخن را عوض کرده، راد می‌گرداند تا موسیقی کلام او با سحر و اثر بیشتری در گوش جان شنونده بنشیند. آن جا که می‌فرماید: فهو (اسلام) - ینابیع غزرت عیونها - فهو عائم اساخ فی الحق اسناخها. این جملات وصفی که مشبه به را وصف می‌کنند در حقیقت به نوعی وجه شبه نیز می‌باشند.

در هجدهمین خطبه ۱۹۸، اسلام را وصف می‌کند و با استعاره از فعل دو مفعولی «جعل»، مفعول اول را مشبه قرار می‌دهد و مفعول دوم را مشبه به. مفعول دوم به صورت اسم جامد و یا مشتق منصوب است که با جار و مجرور مؤکد می‌شود. مثلاً: جعله الله سبحانه ربیباً لاهل زمانه» (۵) در جعله بدل از اسلام است در حکم مشبه و ربیباً در حکم مشبه به و بدین ترتیب امام علی برای عرب ساده فهم امور عقلی و ذهنی را بصورت ملموس و عینی درمی‌آورد.

امام فرزند تجربه‌های زندگی قبل و بعد از اسلام است و نیز تجربه‌های عصر سکوت ۲۵ ساله و حکومت کوتاه. او آن گونه که خود در خطبه قاصعه می‌فرماید؛ در مجالس بزرگان عرب قبل از اسلام می‌نشست و شعر شاعران را می‌شنید. مضافاً به اینکه هم نفس نبی اکرم ﷺ صاحب نهج الفصاحه بود و همه تجربیات در سخن او چهره نموده است. او از آسیاب آغل شتران و گوسفندان صحنه شکار سوسمار همراهی کفتار با شیر، جرجر شتران سینه زخمی و وعوعه شیر و فرار بزها، گاز گرفتن شتران و یا خران دشتی، ناله زنان فرزند مرده دور ریختن شکمبه خاک آلوده فریفتن طفل در اول فصال، ابرهای انبوه بی باران، رعد و برق بیابان‌های حجاز، خرطوم فیل، سینه مرغانی که بر سطح آب شناور هستند، از چریدن علفهای بهاری با دندان‌های آسیاب، یال انبوه کفتار و ورود شتران تشنه بر آبشخور، شتران شتربان گم کرده، و هر چه که در محیط زندگی روزمره

او اتفاق می‌افتانده تصویر شاعرانه با لپاسی از تشبیه ساخته است. صور خیال در کلام امام علی بسیار گسترده است. او تقریباً همه انواع تشبیه را در کلام خود به کار برده است. تا آن جا که اگر کسی با تاریخ زندگی امام علی آشنا نباشد و نهج البلاغه را بخواند، می‌پندارد که تنها کار او شاعری و سخنوری بوده است. بیشتر کلام ثبت شده امام علی در نهج البلاغه مربوط به دوره کوتاه پنج ساله حکومت او می‌باشد به غیر از چند جمله که در باره عثمان در زمان شورش علیه عثمان گفته است و یا یک نامه که به جناب سلمان فارسی نوشته است، بقیه نامه‌ها و خطبه‌ها به اقتضای زمان در کوفه، بصره و صفین نوشته و بیان شده است. و شگفت آور است که کسی در مدت پنج سال آن همه بنویسد و بگوید و با آن که دشمنانش قسمتی اعظم از سخنان او را نابود کرده‌اند و دوستانش فراموش، باز هم او پرکارترین سخنور عرب و اعصار است. و اگر دیوان منسوب به او را هم ضمیمه کارهای او کنیم بر شگفتی ما افزوده می‌گردد. بهر حال تشبیه در کلام امام ابعاد گسترده‌ای دارد. هم از نظر ساختمان ظاهر و هم از نظر محتوی و صورت خیال. اگر به منوچهری و کسایی شاعران طبیعت گفته‌اند، شاید گزافه گفته‌اند اما هیچ سخنی مدح‌آمیز و ستایش بار درباره کلام علی گزافه و غلو نیست. جرج جرداق لبنانی <sup>۱۰</sup> ابن ابی الحدید معتزلی، حمدا... مستوفی <sup>۱۱</sup> ابن واضح یعقوبی در آثارشان کلام او را در حد اعلا ستوده‌اند و به عنوان نمونه ذکر کرده‌اند اگرچه به صورت کلی گویی.

در ضمن تورق و جستجوی کلام تشبیه‌دار امام در لابلای نهج البلاغه به مواردی برخوردیم که در ترجمه بزرگان شناسای نهج البلاغه تشبیه فرض نشده بود. اما ذوق ساده فهم به نوعی در آن جملات احساس وجود تشبیه می‌کند. به عنوان مثال «خبر» در جمله اسمیه خواه خبر افعال ناقصه باشد و خواه خبر حروف مشبیه و خواه خبر جمله ساده،

بیان‌گر نوعی مفهوم تشبیه است؛ اگرچه در ترجمه به زبان نیاید. مثلاً: «ان التقوی مفتاح سداد» و یا «اعضاءکم شهودد و جوارحکم جنوده» که می‌توان ترجمه کرد: تقوی مانند کلید درستی است و اعضای بدن شما چون گواهان او هستند و جوارح بدن شما مانند لشکریان او و یا گاه وجود مفعول مطلق نیز مفهوم تشبیه را به ذهن تداعی می‌کند مثلاً در خطبه ۱۹۹ آمده است: انها(الصلوة) لتحت الذنوب حت الورق. همانا نماز گناهان را می‌ریزند همان گونه که برگ درختان فرومی‌ریزد. لفظ «همان‌گونه» اگر چه قید حالت را نشان می‌دهد ولی می‌تواند قید تشبیه نیز باشد. و نیز اگر عمل مفعول مطلق را به عنوان تمثیل در نظر بگیریم؛ باز هم به تشبیه می‌رسیم. زیرا هر تمثیلی، تشبیه است. تمام مفعول مطلق‌هایی که دارای مضاف‌الیه هستند، مفهوم تشبیه را دربردارند.

گاهی در کلام امام علی دو جمله با یک ساختار نحوی و صرفی وجود دارد که یکی از جملات تشبیه دارد و دیگری ندارد. مثلاً در خطبه ۱۶۰ می‌فرماید:

و ان الله جعل محمداً (ص) علماً للساعة و مبشراً بالجنة یعنی خداوند محمد را چون علم و پرچمی برای روز قیامت قرار داد و بشارت دهنده به بهشت.

«علم» اسم جامد است و اسناد آن به یک اسم دیگر به عنوان مشبه به بعید و بیراه نیست. و معمولاً مشبه به بیشتر به صورت اسم بیان می‌گردد تا به صورت صفت. «مبشّر» اسم مشتق است و می‌تواند صفت حقیقی هر کسی قرار گیرد خصوصاً پیامبر. پس نمی‌توان آن را به عنوان مشبه به قرار داد. به عنوان مثال اگر به یک کودک بگوئید: تو زیبا هستی، اسنادی است که حقیقتاً می‌تواند وجود داشته باشد. اما اگر به او بگویند تو گل هستی؛ اسناد گل به عنوان یک اسم به اسم دیگر بی‌تردید مفهوم تشبیه را به ذهن تداعی می‌کند. برای اثبات این موضوع در کتاب معالم البلاغه صفحه ۲۵۸ به بحث مشبع و مکفی

برخوردم. در آن گوشه‌ای از موضوع کشف و بیان شده بود اما به تبصره‌ها نپرداخت. این گونه نیست که همیشه فقط اسم جامد بتواند به عنوان مشبیه به قرار گیرد. بلکه اگر یک اسم مشتق به عنوان صفت غیرحقیقی به کسی اسناد داده شود آن گاه، تشبیه بوجود می‌آید. به عنوان مثال هرگاه به فردی قسی القلب، لقب شمر داده شود قطعاً تشبیه موردنظر هست.

- در مواردی از کلام امام علی ساختمان جمله به گونه‌ای است که در جمله فعلیه در درون فعل مفهوم تشبیه وجود دارد (و به نظر من این به دلیل زایایی زبان عربی است که از اسم فعل می‌سازد) مثلاً امام می‌فرماید: «کان یتوسد الحجر» سنگ را بالاش خود می‌کرد. در این جمله بدون استفاده از ادات تشبیه و ساختمان ظاهری تشبیه، سنگ به بالاش مانند شده است. نظیر چنین موردی در زبان فارسی نیز وجود دارد. مثلاً: لبش را غنچه کرد. دستش را قلاب کرد و یادیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم. یعنی به کمک فعل (کرد) به همراه یک اسم، مفهوم تشبیه بوجود می‌آید.

در سخنان امام علی جملات ساده اسمیه‌ای وجود دارند که بیانگر وجود تشبیه هستند ولی در ترجمه‌ها در اکثر موارد متعرض معنی و مفهوم تشبیه نشده‌اند و جمله را بدون استفاده از ادات تشبیه ترجمه کرده‌اند. مثلاً در خطبه ۱۶۰ می‌فرماید: «دابته رجلاه و خادمه یداه» می‌توان ترجمه کرد که دو پایش چون مرکب سواری‌اش بود و دو دستش خدمتگزارش. در جمله اول بی‌هیچ تردیدی پاها به مرکب مانند شده‌اند. اما در جمله دوم چون لفظ «خادم» مشتق است، قاطعانه نمی‌توان آن را مشبیه به برای «یداه» دانست. زیرا اسناد حقیقی است به مسندالیه. (اگر چه این تشبیه نیز خلاف نیست زیرا بعضی از مردم نوکر و خدمتگزار دارند و دستان حضرت عیسی به جای نوکر و خدمتکار او بودند).

در مواردی، امام، مشبیه را به صورت منادا ذکر می‌کند و همراه با ادات تشبیه، مشبیه به

را ذکر می‌فرماید: در خطبه ۲۷ می‌فرماید: «یا اشباه الرجال و لا الرجال» که می‌توان ترجمه کرد ای کسانی که اشباه و ماننده‌های مردان هستید و نه مردید. (ای مرد نمایان نه مرد).

در جملاتی با استفاده از حرف «کما و ک» دو حالت وارد مفهوم و یا دو تصویر مرکب را با هم مقایسه و یا مانند می‌کند؛ که می‌توان مفهوم تشبیه را در این گونه کلام فهمید. و یا با تعبیر و تأویل قایل به وجود تشبیه و مانندگی شد در خطبه ۲۸ آمده است: «فاعملوا فی الرغبه کما تعلمون فی الرهبه» در حالت رغبت همان گونه عمل کنید که در حالت بیم و رهبت. یعنی عمل شما در حالت رغبت مانند عمل شما در حالت رهبت باشد. وجه شبه این تشبیه، تأویلی، اخلاص در دو عمل متفاوت و متضاد، است. البته فراموش نمی‌کنیم که صرف وجود ادات تشبیه دال بر وجود تشبیه نیست و می‌تواند تمثیل باشد. به عنوان مثال در خطبه ۲۸ آمده است: «انی لم ار کالجنه نام طالبها و لا کالنار نام هاربها» جایی را چون بهشت ندیدم که طالب آن غافل و خوابیده باشد و جایی را چون آتش جهنم ندیدم که گریزنده از آن، نیز غافل و خوابیده باشد. با آن که حرف تشبیه «ک» آشکارا وجود دارد ولی درک مفهوم تشبیه از این جمله مشکل است و به نظر می‌رسد که درک تشبیه از این کلام تصنعی و به خود قبولاندن است. در این گونه جملات مشبه محذوف است و مشبه به می‌تواند همراه با یک جمله و صفی باشد. (این گونه جملات بیشتر مفهوم مقایسه را در بر دارد).

در مواردی از کلام امام علی مشبه در داخل فعل به صورت ضمیر بارز فاعلی ذکر شده است مثلاً در خطبه ۷ می‌فرماید: «صرتم غرضاً یرمی» شما چون آماجی شدید که به آن تیر انداخته می‌شود. «م» در «صرتم» اسم افعال ناقصه است در محل مشبه و «غرضاً» خبر افعال ناقصه در محل مشبه به.

به کاربردن تشبیه اضافی بلیغ با بسامد بالایی در کلام امام مشاهده می‌شود. گاد مشبه